



## Origin and Development of Authors'ook to His Child in the Literary History of Persian (from 4th Century A.H. to Contemporary Period)

Asieh Zabihnia Emran 

1. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: [zabihnia@pnu.ac.ir](mailto:zabihnia@pnu.ac.ir)

### Article Info

**Article type:**  
Research Article  
(P 45 -61)

**Article history:**

Received:  
25 October 2022

Received in revised form:  
21 December 2022

Accepted:  
30 January 2023

Published online:  
15 March 2023

### ABSTRACT

**Introduction:** In the history of Persian literature, poets and writers used to dedicate part of their works to educate their child which attested to the importance of children's education by means of literary text. Authors' book to his child forms the text in literary corpus though embedded in text, yet conveys an independent meaning. Though these books of authors' to his child find no special mention in texts but are visible in a text at the beginning or the end of the book. Books of authors' to his child are often found in the lyrical poems of Sabk-i Iraqi. Men of letters have inculcated moral values in their son and help them to overcome human vices. The purpose of the research is to trace the works of authors' book to his son in the annals of Persian literature since 4th Century A.H. to the present day. It seeks to have the practical dimension of training and up bringing in the contemporary period.

**Methodology:** The research method in this article is descriptive and contains analysis. This research is applied with a purpose to generalize and use for education and child-upbringing indicators in the present era. Since the purpose of this study is to identify the components of optimal education embedded in text, the basis of this work is to develop concepts and contents of advising child by using qualitative data. These ideas have been developed from the works of the poets of lyrical poems. They have seen, heard, and experienced what they have imbedded in their writings. The poets of the lyrical poems portray to their children the truths of all classes of society in attractive and pleasing manners and convey it to the audience in the form of maxim and advice. The present study encompasses nine lyrical poems including Leily and Majnun of Nizami, Leily and Majnun, Hasht Behesht (Eighth Heaven) and Duval Rani-Khizr Khan of Amir Khusrau, Leily and Majnun, Yousef-Zuleikha and Salaman-Absal of Jami, Salman Savoji Divan, and Yousef-Zuleikha of Masoud Ghomi. Indices of individual and social moral development have been selectively extracted and compiled from the core of child-advising poetry of romantic poets.

**Results and Discussion:** Books of authors' to his child are often found in the form of lyrical poems of Sabk-i Iraqi. Nezami Ganjawi dedicated 36 couplets in Laili wa Majnoon to his son Muhammad, Amir Khusro Dehlvi in Daval Rani and Khezr Khan dedicated 224 couplets to his son Mubarak and in Majnoon wa Laili dedicated 157 couplets to his son Khezr. Salman Savji in Firaq Nama dedicated 93 couplets to his adopted son Sultan Owais and Jami in Yusuf wa Zuleikha dedicated 99 couplets and in Laili wa Majnoon 32 couplets and in Salaman o Absal dedicated 11 couplets to his son Ziyauddin. Khwaja Masood Qummi who was a poet in the second half of the 9th century A.H. in his poem Yusuf and Zuleikha dedicated 143 couplets to his Ghiyasuddin Muhammad in which poets' children are addressed in poetry. Poets and writers have encouraged their son to imbibe ethical virtues and shun human vices. Only Amir Khusro in his lyrical composition Hasht Behesht has advised his daughter Afeefeh in 76 couplets.

**Conclusion:** In all the nine given romantic poems of this article, the individual moral refinement, as well as the teachings related to science and friendship, secrecy, social relations, etc., have been highlighted and this theme is a knack of the poets of romantic poems for expressing their thoughts.

**Keywords:**

Child-Advising, Romantic Poems, Maxim .ethics.

**Cite this article:** Zabihnia Emran, Asieh (2023), "Origin and Development of Authors'ook to His Child in the Literary History of Persian (from 4th Century A.H. to Contemporary Period)", *Persian literature*, Vol: 12, Issue: 2, Ser.N: 30, 45-61, <https://doi.org/10.22059/jpl.2023.350407.2117>



© The Author(s).  
DOI: <https://jop.ut.ac.ir/>

Publisher: University of Tehran Press.



# ادب فارسی

شاپای الکترونیکی: ۲۶۷۶-۴۱۱۳

<https://jpl.ut.ac.ir/>



انتشارات دانشگاه تهران

## تطور و تحول فرزندانامه در ادوار ادب فارسی (قرن چهارم تا دوران معاصر)

آسیه ذبیح نیا عمران

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: [zabihnia@pnu.ac.ir](mailto:zabihnia@pnu.ac.ir)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

در ادوار نظم و نثر فارسی، شاعران و نویسندگان، بخشی از کلام خود را به اندرز به فرزند اختصاص می‌دادند که این امر دال بر اهمیت و توجه به تعلیم فرزند متون ادبی است. فرزندانامه‌ها، نامه‌های خصوصی در بطن متن آثار ادبی هستند که در عین پیوستگی با متن، معنای مستقلی دارند. این فرزندانامه‌ها جای خاصی در متن ندارند، گاهی در بخش آغازین و گاهی در ختام آمده‌اند. فرزندانامه‌ها بیشتر در منظومه‌های غنایی سبک عراقی مورد توجه قرار گرفته‌اند تا جایی که نظامی گنجوی، در *لیلی و مجنون* در ۳۶ بیت، پسر خود محمد، امیر خسرو دهلوی، در *دولرانی* و *خضرخان* در ۲۲۴ بیت، پسر خود «مبارک»، در *مجنون و لیلی* در ۱۵۷ بیت، پسر خود «خضر»، سلمان ساوجی، در *فراق نامه*، در ۹۳ بیت، فرزندخوانده خود «سلطان اویس» و جامی در *یوسف و زلیخا* ر ۹۹ بیت، در *لیلی و مجنون* در ۳۲ بیت و در *سلامان و ایصال*، فرزند خود ضیاءالدین را در ۱۱ بیت و خواجه مسعود قمی در منظومه *یوسف و زلیخا* پسر خود غیاث‌الدین محمد را در ۱۴۳ بیت مورد خطاب قرار داده‌اند. شاعران و نویسندگان فرزندان خود را به فضایل اخلاقی تحریض و تشویق و از ردائیل و منہیات نهی کرده‌اند، تنها امیر خسرو در منظومه غنایی هشت بهشت، دختر خود عقیقه را در ۷۶ بیت نصیحت می‌کند. مقاله حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که بیشترین مضمون فرزندانامه‌سرایی در متون ادبی چیست؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مضامین همه فرزندانامه‌ها توجه به اخلاق فردی است.

نوع مقاله: پژوهشی  
(ص ۴۵-۶۱)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

فرزندانامه، تنبه و عبرت، سبک ادبی، پندنامه، اخلاق.

### کلیدواژه‌ها:

استناد: ذبیح‌نیا عمران، آسیه (۱۴۰۱)، «تطور و تحول فرزندانامه در ادوار ادب فارسی (قرن چهارم تا دوران معاصر)»، *ادب فارسی*، دوره ۱۲، ش ۲، پیاپی ۴۵-۶۱.

<https://doi.org/10.22059/jpl.2023.350407.2117>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

### ۱. مقدمه

فرزندنامه‌نویسی در میان شاعران و نویسندگان ایران جایگاه والایی دارد و بسیاری از آنان، فرزندنامه را وسیله‌ای برای تعلیم و تعالی قرار داده‌اند. سابقه اندرزنامه نویسی به ادبیات دوره ایران پیش از اسلام می‌رسد. بخشی از متون عهد ساسانیان مانند «پندنامگ»، «اندرزنامگ»، «شایست» و «ناشایست» بود و بیان پند و ثبت اندرز در آن دوران، سنتی رایج بود به طوری که از سر این رواج، منصبی با عنوان «اندرز بُد» به وجود آمده بود (رجایی، ۱۳۷۲: ۱۸). کتاب ششم دینکرت، اندرزهای آذرباد مهرسپندان، یادگار بزرگمهر، اندرز اوشنردانا، اندرزدانایان به مزدیسنان، اندرز خسروقیادان، اندرز پوریوتکشان، اندرز دستوران به بهدینان، اندرز بهزاد فرخ پیروز، آراء دین به مزدیسنان و دادستان مینوی خرد، از جمله رساله‌ها و کتب پهلوی هستند که دربردارنده اندرزهای دینی، حکمی و تجربی آن دوران اند (ریپکا، ۱۳۸۱: ۶۶). افزون بر آن، «دسته‌ای دیگر از اندرزنامه‌ها نظیر عهد و وصایا، کارنامه‌ها، آیین نامه‌ها و تاج نامه‌ها وجود داشتند که حاوی وصایا و پندهایی در حوزه کشورداری بودند» (تفضلی، ۱۳۸۹: ۲۱۴). سنت اندرزگویی و اندرزنویسی با آغاز دوره اسلامی، به این دوران انتقال یافت و به سیر خود ادامه داد ... اغلب متون مهم پهلوی که حاوی مطالب تاریخی، ادبی، حکمی، پند، عهد و مسائل علمی بودند در طول سه قرن اول هجری به این زبان ترجمه شدند (صفا، ۱۳۷۸: ۱۳۳/۱). در قرن چهارم و پنجم بسیاری از ایرانیان به خط و زبان پهلوی آشنایی داشتند ... و در همین دوره رساله‌هایی از پهلوی مانند: ایاتکار زریبران، کارنامه اردشیر، داستان بهرام‌گور» به فارسی ترجمه شدند (کریستین سن، ۱۳۶۸: ۹۲). در میان بسیاری از اندرزنامه‌ها، فرزندنامه‌ها یکی از نمونه‌های شاخص در ادبیات فارسی هستند، زیرا تعلیم و تربیت یکی از اهداف اصلی و نخستین انسان‌ها به ویژه شاعران و ادبا بوده، از این رو بزرگان ادب را بر آن داشته‌است تا در ضمن آثار خود به این مهم بپردازند و فرزندان خود را در مسیر سعادت و رستگاری رهنمون سازند و زمینه رشد اخلاقی و تربیتی آن‌ها را فراهم آورند. در نتیجه، آثاری را خلق نموده‌اند که تعلیم و تربیت فرزند در بطن آن قرار دارد و به‌طور صریح و بی‌پرده فرزند را به ارزش‌های اخلاقی رهنمون می‌سازند.

مقاله حاضر در بطن مباحث به این سؤال پاسخ می‌دهد که در فرزندنامه‌های سبک‌های زبان فارسی، کدام قسم از مضامین اندرزی مورد تأیید است؟

### ۱-۱. روش و قلمرو تحقیق

روش تحقیق در مقاله حاضر، توصیفی و به شیوه تحلیل محتواست. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است؛ زیرا می‌توان از نتایج آن الگوبرداری کرد و به‌عنوان شاخص‌های تعلیمی و تربیت فرزند در دوران کنونی بهره جست. از آنجا که هدف این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های تعلیم و تربیت مطلوب در بطن فرزندنامه‌هاست. مبنای کار اینست که از دل داده‌های کیفی، مفاهیم و مؤلفه‌های فرزندنامه استخراج شود. این اندیشه‌ها، حاصل دیده‌ها، شنیده‌ها، تجربیات گران‌بها شاعران و نویسندگان آثار ادبی است. شاعران و نویسندگان در کلامی جذّاب و دلنشین حقایق مربوط به تمامی طبقات جامعه را به فرزند خویش به تصویر می‌کشند و آن را در قالب نامه پند و

حکمت به مخاطب منتقل می‌کنند. قلمرو تحقیق حاضر ادوار زبان فارسی از سبک خراسانی تا عهد معاصر است شاخصه‌های رشد اخلاقی فردی و اجتماعی به صورت گزینشی از میان بطن فرزندنامه‌ها استخراج و تدوین شده‌اند.

### پیشینه تحقیق

تاکنون درباره فرزندنامه در سبک‌های ادبی فارسی پژوهش نشده، اما نسخه خطی منتشر شده درباره «اندرز به فرزند» عبارت است از مقاله‌ای با عنوان «وصایای وفا؛ فرزندنامه‌ای ناشناخته متعلق به دوره قاجار» در معرفی نسخه خطی دوران قاجار که جلیلی جشن آبادی، در سال ۱۳۹۸ در پژوهش‌نامه نسخه‌شناسی نظم و نثر منتشر کرده است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که وصایای وفا مناسب با اقتضای حال فرزندش است و نویسنده با آگاهی از مقوله مخاطب‌شناسی و بهره از شگردهایی چون انتقال تجربه، تشبیه، توصیف و لحن‌های مناسب با مقام سخن، کوشیده است تا در فرزندش تأثیر گذارد.

## ۲. بررسی فرزندنامه‌ها در سبک‌های ادبی فارسی

### ۱-۲. فرزندنامه در سبک خراسانی

سبک خراسانی از اواسط سده سوم تا پایان سده پنجم هجری در خراسان بزرگ و سیستان رواج داشته است. بهره‌گیری مستقیم فرزندنامه‌های این عهد از منابع اندرزنانه‌ای پیش از اسلام، ضمن حفظ و تداوم عناصر میراث عظیم اندرزنویسی و اندرزگویی پیشینیان، موجب اختلاط آن میراث با آموزه‌های اخلاقی اسلامی و در نهایت باروری ادبیات اندرزی در تاریخ ادبیات فارسی شده است.

### ۱-۲-۱. فرزندنامه اخوینی بخاری

اخوینی (سده چهارم هجری)، کتاب هدایة المتعلمین را برای فرزندش نوشت. او در مقدمه کتاب این موضوع را ذکر می‌کند: «اکنون تو کی فرزند منی اندرخواستی از من کتابی به باب بجشکی سبک و آسان تا تو را خاصه از من یادکار بوذ و دیگر مردمان را فایده بوذ» (اخوینی بخاری، ۱۳۷۱: مقدمه/هشت-نه). وی به فرزندش توصیه می‌کند که علم بیاموزد و به متضای حال سخن بگوید.

### ۲-۱-۲. فرزندنامه عنصرالمعالی

قابوس‌نامه (قرن پنجم هجری) اثر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر است. وی فرزند خود «گیلان‌شاه» را در یک مقدمه و ۴۴ باب در مسائل دینی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، علمی و فنی و تجارب عملی اندرز می‌دهد (← عنصرالمعالی، ۱۳۸۶: ۶۵). قابوس‌نامه به سبب داشتن موضوعات متنوع، مجموعه‌ای ارزشمند در شناخت اوضاع و احوال دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و ادبی دوران نویسنده است و چنان اهمیت دارد که از آن به عنوان «مجموعه تمدن اسلامی قبل از مغول» یاد شده است (← بهار، ۱۳۷۳: ۱۱۴/۲). تنوع

موضوعات و ابعاد تربیتی قابوس‌نامه به حدی است که به شیوه‌های متعدد می‌توان آرای تربیتی عنصرالمعالی را بر اساس آن طبقه‌بندی و معرفی کرد.

### ۲-۱-۳. فرزندنامه غزالی

امام محمد غزالی (سده پنجم هجری)، رساله *ایها الولد* (۵۰۵ ق) را در پاسخ به پرسش‌های یکی از شاگردانش، که غزالی او را در این رساله «فرزند» خطاب می‌کند، نگاشته است. این رساله مجموعه‌ای از پندها و دستورهای غزالی است که در آن راه و روش درست زندگی کردن را می‌آموزد. وی درس‌ها و پندهای اخلاقی و عرفانی مشحون از کلام وحی را در متن این رساله اندرزی به او ارزانی می‌دارد (← غزالی، ۱۳۶۴: ۴۲-۴۶).

### ۲-۲. فرزندنامه در سبک عراقی

سبک عراقی که از اواخر قرن ششم تا قرن نهم هجری رواج و ادامه داشته‌است. رواج تصوف و عرفان در این عهد و گرایش شاعران عارف به اندرز موجب پیدایی فرزندنامه‌های بسیاری در سبک عراقی شد. عرفان و تصوف از جریان‌های بسیار تأثیرگذار بر شکل‌گیری و تداوم ادبیات تعلیمی است، هرچند که تعداد اندکی از فرزندنامه‌های سبک عراقی از شاعران و نویسندگانی است که عارف نیستند.

### ۲-۱-۲. فرزندنامه جمال‌الدین عبدالرزاق

جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی (سده ششم هجری) در اشعار خود ضمن پند و اندرز به فرزندش کمال‌الدین، انصاف و عدالت او را ستوده و حُسن او را علم و از جنس مردم بودن وصف کرده- است (جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۶۲: ۳۸۶-۴۲۰). برای مثال: وی به فرزند خود احترام به خویشان و پدر و مادر را یادآوری می‌کند:

بشنو از من نصیحتی که ترا	کار هر دو جهان شود نظام
بد نخواهی که باشدت	هرگز بد مکن خاصه با اولوالارحام
حق مادر نگه دار و ترس	زایزد و ذوالجلال والا کرم نبود
کانکه با پدر و مادر بد کرد	نبود جز همیشه دشمن کام

(جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۶۲: ۴۲۰)

### ۲-۲-۲. فرزندنامه سرایی در لیلی و مجنون نظامی گنجوی

*لیلی و مجنون* نظامی از شاهکارهای منظومه‌پردازی عاشقانه در ادب فارسی است که بارها مورد تتبع و تقلید دیگر شاعران قرار گرفته است. داستان عشق و سرگشتگی و جنون قیس را شاعران زیادی روایت کرده‌اند که معروف‌ترین آن سروده نظامی در قرن ششم است. او در ۴۷۰۰ بیت این منظومه را سرود. وجه خاص حکیم نظامی به حکمت و پند و اندرز در بطن داستان‌های عاشقانه، چه از جهت تنوع مضامین حکمی و چه از نظر تعداد ابیات اختصاص یافته به این مطلب بی‌نظیر است. او برای بیان مفاهیم تعلیمی از داستان و حکایت، جهت دفع ملال مستمع استفاده می‌کند و شیوه پند و اندرز غیرمستقیم است. نظامی گنجوی در *لیلی و مجنون* به فرزند خود «محمد» در ۳۶ بیت پند می‌دهد. وی به پسر خود انداز می‌دهد که اکنون وقت بازی نیست. غافل مباش و در

پی کسب علم و هنر باش. در جایی که باید بزرگ باشی، فرزند نظامی بودن فایده‌ای ندارد، پس سعی کن مثل شیر سپه‌شکن باشی و فرزند خصلت‌ها و صفات خویش. اگر دنبال دولت و بزرگی هستی، باید اسباب آن را فراهم کرده، از دست ندهی. هنگام سخن گفتن از خدا بترس و همواره تقوای الهی را در نظر داشته باش. به دنبال شغلی باش که از آن خجل نباشی. خودشناسی پیشه کن و طیبِ درد و رنج مردم باش.

ای چاره ساله قرةالعین	بالغ نظر علوم کونین ...
غافل منشین نه وقت بازی است	وقت هنر است و سرفرازی است
دانش طلب و بزرگی آموز	تا به نگرند روزت از روز
نام و نسبت به خردسالی است	نسل از شجر بزرگ خالی است
جایی که بزرگ بایست بود	فرزندی من ندرت سود
چون شیر به خود سپه‌شکن باش	فرزند خصال خوشتن باش
دولت طلبی سبب نگره دار	با خلق خدا ادب نگره دار ...
آنجا که فسانه‌ای سکالی	از ترس خدا می‌باش خالی
وان شغل طلب ز روی حالت	کز کرده نباشدت خجالت ...
در جدول این خط قیاسی	می‌کوش به خوشتن‌شناسی
تشریح نهاد خود درآموز	کاین معرفتی است خاطر افروز ...
می‌باش طیب عیسوی‌هش	امانه طیب آدمی‌کش

(نظامی: ۱۳۸۴: ۴۲)

### ۲-۳. فرزندنامه‌سرایی در منظومه‌های غنایی امیر خسرو دهلوی

امیر خسرو دهلوی از عارفان و شاعران نامدار پارسی‌گوی هندوستان، در نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است. این شاعر نامدار بخش عمده زندگی خود را در خدمت سلاطین مختلف روزگارش گذراند، با این حال، دست ارادتی که به «شیخ نظام‌الدین محمد بن احمد دهلوی، مشهور به نظام اولیاء (متوفی ۷۲۵ ق) داد و تربیتی که از او یافت، در حوزه تصوف نیز به او مقام و مرتبه ویژه‌ای بخشید و تالو آموزه‌های حکمی و عرفانی در اشعار وی کاملاً آشکار است» (اخر حیدرآبادی، ۱۳۸۵: ۱۴۱). امیر خسرو در سرودن مثنوی‌های عاشقانه دنباله‌رو نظامی گنجوی است. امیر خسرو دهلوی پنج پسر به نام‌های محمد، مسعود، خضر، مبارک و حاجی؛ و دو دختر به نام‌های میمونه و عقیفه داشت که دو پسرش، محمد و حاجی، در روزگار زندگی شاعر درگذشتند. او در اغلب منظومه‌های غنایی می‌کوشد تا با فرزندنامه‌سرایی به پند و اندرز فرزندان خود بپردازد. فرزندنامه‌های امیر خسرو مفصل‌اند و در حکم تدبیر منزل و سیاست مدن به شمار می‌روند.

#### الف) فرزندنامه‌سرایی در منظومه مجنون و لیلی امیر خسرو

مجنون و لیلی، سومین منظومه امیر خسرو و یکی از بهترین منظومه‌هایی است که تحت تأثیر لیلی و مجنون نظامی سروده شده است. امیر خسرو در بطن منظومه مجنون و لیلی در ۱۵۷ بیت پسر خود «خضر» را اندرز می‌دهد؛ برای نمونه، به فرزندش سفارش می‌کند که با هنرمندان پیوند بگیر و از بی‌هنران احتراز کن:

پیوند هنر طلب چو مردان      وز بی‌هنران عنان بگردان ...

و آن راست به اوج آسمان سر  
 کز جوهر علم یافت افسر  
 (امیر خسرو، ۱۹۶۴: ۴۹)

#### ب) فرزندنامه سرایی در منظومه دولرانی و خضرخان امیر خسرو

امیر خسرو در منظومه غنایی دولرانی و خضرخان در ۲۲۴ بیت زبان به نصیحت فرزند خود «مبارک» می‌گشاید و او را به فضائل اخلاقی دعوت می‌کند. این فرزندنامه، مفصل‌ترین شعر اندرزی در متن منظومه‌های عاشقانه فارسی در خطاب به فرزند است که به تنهایی در حکم کتابی اندرزی مستقل قابل بحث و بررسی است؛ برای نمونه، امیر خسرو به پسرش توصیه می‌کند که با کوشش، بستگان را رهایی دهد و مرهم خستگان باشد، در زندگی نرم‌خویی پیشه سازد، با ادب باشد و با افراد بدخوی مدارا کند:

ره‌هایی ده بکوشش بسـته‌ای را	به مرهم پرورش گن خسته‌ای را ...
چو آبی باش لطف از حد فزونش	همه راحت ز بیرون و درونش ...
ادب شرط است اگر فرزند شوخ است	سگ دیوانه را دارو کلوخ است ...
مکن بدخوی را با خویش گستاخ	ستور بد کهبش ریزی زند شاخ

(همان، ۱۹۱۷: ۲۹۲)

#### ج) فرزندنامه سرایی در منظومه هشت بهشت امیر خسرو

یکی از مثنوی‌های امیر خسرو که به تقلید از هفت بیکر نظامی سروده منظومه هشت بهشت است. او در منظومه هشت بهشت، در ۷۶ بیت، زبان به نصیحت دختر خود «عقیفه» می‌گشاید و او را به پاکی و تقوا، خداپرستی و پارسایی دعوت می‌کند. برای نمونه، امیر خسرو به دخترش تذکر می‌دهد که هرگز «در» خانه خویش را بر روی هیچ مرد غریبه‌ای باز نکند؛ هرچند که کوبنده در حضرت خضر نبی باشد:

راه در گم کن از درون سرای  
 و در مثل خضر در زند مگشای  
 (همان، ۱۹۷۲: ۳۹)

#### د) فرزندنامه سرایی در منظومه قران سعدین

امیر خسرو در مثنوی قران سعدین به فرزند خود اندرز می‌دهد که به جوانی و ثروت تفاخر مکن. در مقابل گناه زبردستان خود خشمگین مباش؛ زیرا عفو و بخشش، برتر از تنبیه و مجازات است. دشمنان خود را ضعیف تصور نکن. رعایت حال مردم، عدالت و دادگری را سرلوحه برنامه خود قرار ده و ... به نمونه زیر توجه کنید:

داد نخستش به دعای پناه	کـایزدت از حادثه دارد نگاه
ریخت پس آن‌گاه به مهر تمام	داروی تلخش ز نصیحت به کام
کای پسر! از ملک و جوانی مناز	ناز بدو کن که شد او بی‌نیاز ...

(همان، ۱۳۶۲: ۱۷۱)

#### ۲-۲-۴. فرزندنامه نزاری قهستانی

دستورنامه، اثر نزاری قهستانی (نیمة دوم سده هفتم و آغاز سده هشتم هجری) است. وی این منظومه را در سال ۷۱۰ق در ۵۷۶ بیت سروده است. این اثر در مجموع پندنامه‌ای در چگونگی آداب

معاشرت از زبان نزاری برای فرزندان است. به نمونه زیر توجه فرمایید که در آن نزاری فرزند را از دوستی با ناجنس برحذر می‌دارد:

مکن تا توانی به ناجنس میل	منه خانه بنیاد بر راه سیل
ز جاهل بترس این مثل هم خوش است	که در زیر خاکسترش آتش است
به صابون بشوی از فرومایه دست	وز آن که الفتش با فرومایه هست

(نزاری، ۱۳۷۱: ۲۲۷)

### ۲-۲-۵. فرزندان سرایی در *فراق‌نامه* سلمان ساوجی

سلمان ساوجی از شاعران قرن هشتم هجری است. وی تربیت سلطان اویس ایلخانی را به درخواست دلشادخاتون بر عهده داشت و پس از به سلطنت رسیدن او، از خاصان دربارش بود. سلطان اویس در حکم پسرخوانده سلمان بود. سلمان ساوجی در ۹۳ بیت، در مثنوی عاشقانه *فراق‌نامه* زبان به اندرز وی می‌گشاید. *فراق‌نامه* به تقلید از *لیلی* و *مجنون* نظامی سروده شد. «*فراق‌نامه*، برای خاطر سلطان اویس ساخته شده است» (سلمان ساوجی، ۱۳۶۷: مقدمه/۲۳). سلمان به «اویس» توصیه می‌کند که سرمایه عمر و جوانی را غنیمت دارد و قناعت پیشه سازد؛ به گونه‌ای زندگی کند که نام نیک برجای نهد، غم زر را نخورد، دل به این زندگی نبندد و از «آز» پرهیز کند؛ زیرا مرگ در پی اوست و باید از خواب غفلت بیدار شود:

جوانی و فرزانه و هوشیار	اوان جوانی غنیمت شمار ...
اگر در قناعت گریزد کسی	نباید شدش بر در هر خسی ...
چنان زی که نام تو روز حساب	نویسند با راستان در کتاب
کسی کو به غم حاصل آرد زری	غم زر خورد او و زر دیگری
تو نعمت کجا گرد می‌آوری	کجا می‌بری چون تو غم می‌خوری؟
برین زندگی هیچ بنیاد نیست	جز از پاره‌ای خاک بر باد نیست ...
کسی کو در آز بنهد فرو	گشایند درهای جنت برو
دلت مست آزاست، هشیار باش	به خواب غرور است، بیدار باش ...

(همان: ۵۷)

### ۲-۲-۶. فرزندان سرایی جامی

عبدالرحمن جامی، شاعر و عارف ایرانی قرن نهم و نظیره گوی مشهور عهد تیموری و اوایل عصر صفوی است. وی مثنوی‌های پنج‌گانه خود (*لیلی* و *مجنون*، *شیرین* و *خسرو*، *هفت منظر*، *تمرنامه* یا *تیمورنامه*، *شاهنامه*) را به تقلید از *خمسه* نظامی (*مخزن الاسرار*، *خسرو* و *شیرین*، *لیلی* و *مجنون*، *هفت پیکر*، *اسکندرنامه*) سرود.

#### الف) فرزندان سرایی در *لیلی* و *مجنون* جامی

جامی داستان *لیلی* و *مجنون* را در *هفت اورنگ*، در ۲۲ بخش روایت می‌کند که بسیار خلاصه‌تر از نسخه نظامی است. او در *لیلی* و *مجنون*، در ۳۲ بیت فرزند خود را اندرز می‌دهد؛ برای مثال، او از فرزند خود می‌خواهد که در کسب کمال جهد کند و هرگز در علم‌آموزی قانع نباشد:



در کسب کمال بایدت جهد	در به طلبی به سر بری عهد
گرداب طلب وسیع دور است	دریای علوم دور غور است
قانع نشوی به هر چه یابی	از خوب به خوب تر شتابی
لیکن مکش از فراخ درسی	خط بر ورق خدای ترسی

(جامی، ۱۳۸۵: ۵۹)

#### ب) فرزندنامه سرایی در یوسف و زلیخای جامی

جامی در انتهای داستان یوسف و زلیخا در ۹۹ بیت فرزند خود، ضیاءالدین یوسف را اندرز می‌دهد. این منظومه با پندنامه وی به پایان می‌رسد؛ برای مثال، او به فرزند خود انداز می‌دهد که از خوش‌پوشی و خوش‌خواری پرهیز کند:

به خوش‌پوشی و خوش‌خواری مکن خوی	بتاب از راحت پشت و شکم روی
غرض از جامه دفع حر و برد است	ندارد میل زینت هر که مرد است

(همان، ۱۳۹۳: ۷۳)

#### ج) فرزندنامه سرایی در منظومه غنایی - تمثیلی سلمان و ابراهیم جامی

داستان «سلمان و ابراهیم» در دومین اورنگ از هفت اورنگ آمده است. جامی در این منظومه غنایی، تمثیلی و عرفانی ابیاتی در ستایش فرزندآوری می‌سراید:

هیچ نعمت بهتر از فرزند نیست	جز به جان فرزند را پیوند نیست
حاصل از فرزند گردد کام مرد	زنده از فرزند ماند نام مرد
چشم تو تا زنده ای روشن به اوست	خاک تو چون مرده ای گلشن به اوست
دستت او گیرد اگر افتی ز پای	پایت او باشد اگر مانی به جای
پشت تو از پشتیش گردد قوی	عمرت از دیدار او یابد نوی
اوست بران در صف هیجا چو تیغ	تیرباران بر سر اعدا چو میخ

(همان، ۱۳۷۳: ۳۲۶)

#### د) فرزندنامه در مثنوی تحفة الاحرار جامی

جامی در انتهای مثنوی تحفة الاحرار (هدیه آزادگان) برای فرزند خود، ضیاءالدین یوسف، پندنامه‌ای نگاشته که در آن از جوانی خود یاد کرده است.

#### ه) کتاب بهارستان، فرزندنامه جامی

جامی کتاب بهارستان را برای فرزندش، ضیاءالدین یوسف که به آموختن مقدمات کلام عرب و اندوختن قواعد فنون ادب اشتغال داشت، نوشت (← جامی، ۱۳۷۸: ۴۲)؛ برای مثال، او در ضمن حکایتی، خوش‌خلقی را توصیه و در مقابل، ترش‌رویی را نکوهش می‌کند: «از حضرت رسالت (علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات) آرنند که (فرموده‌ست) که مؤمن مزاح‌کن و شیرین‌سخن باشد و منافق ترش‌رو و گره بر ابرو» (همان: ۴۲).

**۲-۷. فرزندنامه‌سرایی در یوسف و زلیخای خواجه مسعود قمی**

خواجه مسعود قمی (متوفی ۸۹۰ ق) شاعر ایرانی اهل قم بود. مسعود قمی، یوسف و زلیخا را با پندنامه‌ای به فرزند پنج‌ساله خود، غیاث‌الدین محمد خاتمه می‌دهد. او از پسرش می‌خواهد که با مردم نادرست همنشینی نکند:

با مردم نادرست منشین      جایی که نه جای تُست منشین  
(قمی، ۱۳۶۹: ۲۱۶)

**۲-۸. فرزندنامه میبدی**

میرحسین میبدی (قرن نهم هجری)، دو رساله اندرزی خویش را به نظم و نثر، خطاب به پسرش، «معین‌الدین» نوشته است (← میبدی، ۱۳۹۲: ۵۰-۱). بیشترین توجه میبدی در باب زندگی نهی از هوای نفسانی است؛ زیرا منشاء همه ناپاکی‌ها به شمار می‌رود و انسان را به بدی‌ها می‌کشاند. همچنین رویکرد میبدی در این زمینه، دیدگاهی معنوی به انسان و جهان است:

صفتی نیست به‌تر از عفت      که از او یافت بار دل خفت  
پارسایی شاعر اهل دل است      که هر که ناپارسا بود، خجل است  
(همان: ۳۷)

**۲-۳. فرزندنامه‌ها در عهد قاجار**

شاعران و نویسندگان زمان قاجار به فرزندنامه توجه نشان داده‌اند که اصلی‌ترین انگیزه آنان از ذکر مضامین اخلاقی در متن فرزندنامه، تنبیه و عبرت است. تمامی فرزندنامه‌ها موضوع‌محور هستند و اغلب حول مضامینی همچون سلوک فردی، رفتار اجتماعی، عدل و جور، تزویر و... خلاصه می‌شوند و همگی به مثابه حکمت عملی و آداب زندگی هستند.

**۲-۳-۱. فرزندنامه در منشآت قائم‌مقام**

منشآت قائم‌مقام فراهانی محتوی چند رساله و نامه‌های دوستانه و عهدنامه‌ها و وقف‌نامه‌هاست که به اهتمام شاهزاده فرهادمیرزا در ۱۲۴۲ق در تهران منتشر شد. قائم‌مقام، در منشآت، نامه‌هایی به فرزند خود، «رضا قلی» نوشته است. وی در نامه شماره ۶۹ خطاب به پسرش انداز می‌دهد که «پسرم، نور بصرم، من از تو غافل نیستم، تو چرا از خود غافل؟ گشت باغ و سر راغ شیوه درویشان است ... هرگاه درین ایام جوانی که بهار زندگانی است، دل صنوبری را به نور معرفت زنده کردی، مردی؛ والا به جهالت مردی ...» (قائم‌مقام، ۱۳۳۷: ۲۹).

**۲-۳-۲. فرزندنامه امیرنظام گروسی**

پندنامه یحیویه از حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی، صاحب منصب نظامی، دیپلمات، سیاستمدار، ادیب و اندیشمند عصر ناصری، نمونه پندنامه‌نویسی در این دوره است (آرین‌پور، ۱۳۵۷: ۱۶۸/۱). امیرنظام گروسی در پندنامه یحیویه (۱۲۷۰ق) به مناسبت تربیت فرزند خود اندیشه‌ها و افکارش را نمایان کرده است. نویسنده در این پندنامه یادآوری می‌کند تعلیم و تربیت فرزندش که در این زمان، در سن دوازده‌سالگی بوده، مهم‌ترین انگیزه نگارش و تدوین آن است (گروسی، ۱۳۶۳: ۴۰)؛

برای مثال، وی به فرزندش سفارش می‌کند که «از مکر دشمن ایمن مباش و شرایط حزم و آگاهی را از دست مده» (همان: ۴۴).

### ۲-۳-۳. فرزندنامه طالبوف

احمد (سفینه طالبی) اثر عبدالرحیم طالبوف، در سال ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ ق در استانبول منتشر شد. ساختار کتاب مبتنی بر گفت‌و شنود است. نویسنده با فرزند خیالی خود، احمد، درباره موضوعات علمی، اجتماعی، سیاسی و فلسفی گفتگو می‌کند. کتاب احمد یکی از اولین کتب تربیتی برای نوجوانان در زبان فارسی به حساب می‌آید (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۲۴). طالبوف در کتاب احمد یا سفینه طالبی، خانواده‌ای را به تصویر می‌کشد که در آن چهار فرزند تحت سرپرستی پدر که همان راوی کتاب است، زندگی می‌کنند. فرزند ارشد خانواده، محمود است؛ اما قهرمان اصلی این کتاب، احمد پسر هفت‌ساله خانواده است که در سن ورود به مکتب قرار دارد؛ اما پدر با ناشایسته دانستن معلم‌های مکتب، قصد ندارد تا سه سال دیگر، احمد را به مکتب‌خانه بفرستد. این کتاب در هجده صحبت نگاشته شده است که در هر صحبت، احمد سؤالات خود را از پدر در زمینه‌های گوناگون علمی می‌پرسد و پدر ضمن پاسخ‌گویی به این سؤالات، در هر جایی که فرصت می‌یابد، از عقب‌ماندگی ایران نسبت به سایر ملل شکایت می‌کند و مسائل انتقادی مورد نظر خود را مطرح می‌کند. این کتاب متأثر از امیل روسو است که طالبوف قصد داشته «احمد مشرقی و امیل مغربی را تطبیق نماید» (طالبوف، ۱۳۹۴: ۴۶).

### ۲-۳-۴. فرزندنامه ایرج میرزا

ایرج میرزا، از شاعران ایرانی در عصر مشروطیت (اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی) بود. وی در مثنوی ۷۲ بیتی به فرزندش «خسرو» اندرز می‌دهد و نصیحت می‌کند. سحرخیز بودن، پرهیز از تنبلی، تأکید بر نظافت و پوشیدن لباس زیبا در مجلس و اجتماع، احترام به پدر و مادر، رعایت ادب، رعایت آداب سخندانی و تأکید بر راست‌گفتاری و دوری از دروغ، رعایت آداب و رسوم اجتماعی (دوری از پرخوری، رعایت ادب در هنگام غذاخوردن و خمیازه نکشیدن در حضور جمع و ...) از جمله این نصایح است:

از مال جهان ز کهنه و نو	دارم پسری به نام خسرو ...
هان ای پسر عزیز دلبند	بشنو ز پدر نصیحتی چند ...
می‌باش به عمر خود سحرخیز	وز خواب سحرگهان بپرهیز ...

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۴۵)

### ۲-۴. فرزندنامه در دوران معاصر

فرزندنامه در عهد معاصر مورد توجه شاعران و نویسندگان زبان فارسی قرار گرفته است. این فرزندنامه‌ها مشتمل بر حکم و پند و دستورهای اخلاقی هستند؛ هرچند که فرزندنامه‌ها خصوصی است، اما قابل تسری به همه افراد بشر است و می‌تواند مفید همگان واقع شود، زیرا فرزندنامه متنی است که با هدف آموزش دانش و مهارت خاص، یا ارائه اندرزهای اخلاقی، اجتماعی، دینی، برای فرزندان سروده یا نوشته می‌شود.

## ۲-۴-۱. فرزندنامه خانلری

نامه پرویز ناتل خانلری (۱۳۹۲-۱۳۶۹ش) خطاب به پسر سه‌ساله خود، «آرمان»، پاسخ به سؤالی است که این فرزند قرار است در آینده از پدر بپرسد: چرا مرا به خارج از ایران نفرستادی؟ نامه مزبور ابتدا در مجله سخن و سپس با حذف بخش‌هایی، در کتاب فارسی دبیرستان انتشار یافت و علاوه بر آنکه برای دانش‌آموزانی که آن را می‌خواندند، سرمشق درست‌نویسی بود، به آنان درس وطن‌دوستی نیز می‌آموخت؛ برای مثال: وی از فرزندش چنین می‌خواهد: «مردانه بکوشی و با این دشمن درون که فساد است، به جنگ برخیزی. اگر در این پیکار فیروز شدی، دشمن بیرون، کاری از پیش نخواهد برد» (ناتل خانلری، ۱۳۹۲: ۳۳۵).

## ۲-۴-۲. فرزندنامه اعتمادزاده

محمود اعتمادزاده، به‌آذین (۱۲۹۳-۱۳۸۵ش) به پسر خود، «زرتشت»، نامه‌هایی نوشته که با عنوان نامه‌هایی به پسر منتشر شده است. در این نامه‌ها بیشتر آداب و رسوم اجتماعی مورد نظر نویسنده بوده است (← اعتمادزاده، ۱۳۸۲: ۱-۵۶).

## ۲-۴-۳. فرزندنامه اسلامی ندوشن

محمدعلی اسلامی ندوشن (۱۳۰۳-۱۴۰۱ش) در نامه به فرزند/ان به پسرانش، «رامین» و «مهران» اندرز می‌دهد؛ برای مثال، موضوعی که وی در پندنامه خود به فرزندانش توصیه می‌کند «انتخاب» است: «هنر زندگی کردن، هنر بسیار ظریفی است و رکن اولیه و عمده آن انتخاب است؛ یعنی بهترین‌ها را برگزینید...؛ پس هیچ‌گاه انتخاب را فراموش نکنید» (اسلامی ندوشن، ۱۳۹۴: ۳).

## ۲-۴-۴. فرزندنامه شاملو

امید آفتابی من، کتابی شامل نامه‌های احمد شاملو (۱۳۰۴-۱۳۷۹ش) به کوچک‌ترین پسرش، «سامان» است؛ نامه‌هایی که برای نخستین بار تصویر شاملوی پدر را پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد:

جز این آرزو ندارم که حالت خوب و فکرت راحت و اعصاب آرام باشد. در کارت توفیق حاصل کنی و پشتیبان روحی پدرت باشی و می‌دانی که درباره‌ات چه عقیده و چه قضاوتی دارد در عین حال دلم می‌خواهد واقعاً دنیا را بشناسی و با چشم باز و عقل سلیم در مسائل نگاه کنی و در حالی که جسماً و روحاً جوانی خود را حفظ می‌کنی و از زندگی کوتاهی که آدمی‌زاد در این چهار صباح عمر خود دارد لذت می‌بری و هر ساعت زندگی را غنیمتی باز یافته تلقی می‌کنی. از لحاظ فکر و معرفت هر ساعت پیرتر و جهان‌دیده‌تر بشوی. دلم می‌تپد و آرزو دارم که به این خواست من لبیک بگویی و بکوشی که این جور باشد (شاملو، ۱۳۹۴: ۱۲).

## ۲-۴-۵. فرزندنامه شریعتی

شریعتی (۱۳۱۲-۱۳۵۶ش) در نامه‌ی به پسر به پسر سه‌ساله‌اش، «احسان» اندرز می‌دهد. مهم‌ترین توصیه وی به پسرش این است: «و تو پسر، اگر نمی‌خواهی به دست هیچ دیکتاتوری گرفتار شوی، فقط یک کار بکن: بخوان و بخوان و بخوان!» (شریعتی، ۱۳۵۸: ۳۰).

## ۳. نتیجه

شاعران و نویسندگان در ادوار زبان فارسی سخنان حکمت‌آمیز خود را به شکل اندرز که غالباً کوتاه و مؤجّز، ولی دارای مفاهیم اخلاقی والایی بودند، در متن فرزندنامه بیان می‌کردند. اصلی‌ترین علت و انگیزه انعکاس این امر، تنبیه و عبرت است. فرزندنامه در ادوار سبک فارسی وجود داشته؛ هرچند در سبک عراقی و بعد از بازگشت ادبی، حتی در دوران معاصر، رونق چشمگیری داشته است. شاعران و نویسندگان فرزندنامه می‌کوشند تا اخلاق فردی و اجتماعی را تعلیم دهند.

شایان ذکر است که این شیوه در منظومه‌های غنایی شاعران عارف به اوج می‌رسد. براساس مباحث مطرح‌شده درباره فرزندنامه‌ها در این مقاله، در نه منظومه عاشقانه سبک عراقی، به تهذیب اخلاقی فردی و نیز به تعلیم مربوط به علم‌آموزی و دوست‌یابی، رازداری، روابط اجتماعی و ... توجه شده است؛ و این درون‌مایه شگرد خاص صاحبان منظومه‌های عاشقانه در بیان اندیشه است. نخستین بار نظامی گنجوی، فرزندنامه‌سرایی را در بطن منظومه عاشقانه لیلی و مجنون گنجانده است و مقلدان و نظیره‌سرایان خمسه این رویه را همچون مختصه سبکی در آثار خود دنبال کردند و در این زمینه، از کلام نظامی متأثر بودند. تمامی این فرزندنامه‌ها، دارای استقلال معنایی از متن منظومه عاشقانه هستند و همچون وصله‌ای به طراز و سجاجف منظومه غنایی پیوسته‌اند. حتی می‌توان تمامی این فرزندنامه‌ها را در حکم کتابی مستقل به شمار آورد.

براساس جدول شماره ۱ مضمون مشترک تمامی فرزندنامه‌های منظومه‌های غنایی مورد بحث در این پژوهش، علم‌آموزی، بینایی و دانایی است.

جدول شماره ۱: مضامین فرزندنامه‌سرایی در منظومه‌های غنایی		
تعداد ابیات	مضمون فرزندنامه	نام منظومه غنایی
۳۶	غافل نبودن، در پی کسب هنر بودن، خداترس بودن، دنبال شغل خوب بودن، در هرشغلی کامل بودن، کم گفتن، علم آموختن.	لیلی و مجنون نظامی
۱۵۷	اهل هنر بودن، تلاش مداوم، احتراز از مدح، درویش نوازی، نیک نامی، والا‌همتی، بینایی، پارسایی.	مجنون و لیلی امیر خسرو
۲۲۴	با ادب بودن، نرم‌خو بودن، مدارا کردن، دل‌نستن به دنیا، صادق دلی، صلح طلبی، ترک هواپرستی، اهل دانش بودن، پاک بودن، طلب رزق حلال، قانع بودن، بخشش به بیچارگان.	دولرانی و خضرخان امیر خسرو
۷۶	پاکی، حفظ اموال، گوشه نشینی، وفا.	هشت بهشت امیر خسرو
۹۳	ترک آز، قانع بودن، نیک نامی، دل‌نستن به دنیا، بینایی.	فراق‌نامه سلمان ساوجی
۹۹	علم‌آموزی، ترک خوش پوشی، ترک خوش خواری، میانه روی در بخشش به دیگران، تک شغل بودن، رازداری، عزلت‌گزینی، دوری از منصب، ترک نخوت، احتراز از وعده دروغین.	یوسف و زلیخای جامی
۳۲	کسب کمال، علم‌آموزی، تحصیل در علوم دینی، دل‌به دنیا نستن.	لیلی و مجنون جامی
۱۱	در ستایش فرزند و اهمیت داشتن فرزند در زندگی و فرزندآوری.	سلامان و ابسال جامی
۱۴۳	ترک هم‌نشینی با بدان، احتراز از باده نوشی، دانایی، بینایی.	یوسف و زلیخای خواجه مسعود قمی

از وجوه افتراق منظومه‌های بررسی شده باید گفت که فقط امیرخسرو در هشت بهشت دختر خود، عقیقه را مورد خطاب قرار می‌دهد؛ با وجودی که درون‌مایه منظومه هشت بهشت، پیمان‌شکنی زنان و تظاهر آنان به ستر و صلاح است، ولی وی هر جا که شرایط را مناسب دیده است، شروع به اندرز دخترش می‌کند. مضمون اندرز عبارت‌است از: باز نکردن درخانه بر روی غریبه‌ها، بستن پنجره بر روی خود، محافظت از اموال شوهر، ترک معاشرت با مردم، لزوم وفای به شوهر، رازداری، گوش ندادن به موسیقی.

از دیگر وجوه افتراق منظومه‌های غنایی بحث شده در متن مقاله، جنس مخاطب است که در *لیلی و مجنون* نظامی، *مجنون و لیلی و دولرانی* و *خضرخان امیرخسرو*، *فراق نامه* سلمان ساوجی، *یوسف و زلیخای*، *لیلی و مجنون و سلامان و ایسال جامی*، *یوسف و زلیخای* خواجه مسعودقمی، *فرزندپسر* مورد خطاب قرار می‌گیرد، در حالی که در هشت بهشت فقط جنس دختر مدنظر است. در مجموع، بیشتر مباحث اندرزی که در فرزندنامه‌ها آمده است، به ترتیب، *پندنامه* امیرخسرو *دهلوی* به فرزندش و *خواجه مسعود قمی* از سایر فرزندنامه‌ها مفصل‌ترند.

جدول شماره ۲: تعداد فرزندنامه در ادوار ادب فارسی (مورد بحث مقاله)			
سبک خراسانی	سبک عراقی	عهد قاجار	عهد معاصر
۳ فرزندنامه	۱۵ فرزندنامه	۴ فرزندنامه	۵ فرزندنامه

براساس جدول فوق، بسامد فرزندنامه در سبک عراقی بیش از دیگر ادوار ادبی است، از آنجایی که اغلب فرزندنامه‌های سبک عراقی اثر شاعران و نویسندگان عارف است، این امر دال بر اهمیت و توجه صوفیه به تعلیم و تربیت است. از دید بررسی محتوایی در باب فرزندنامه‌ها، می‌توان گفت که تحول معنایی در آنها مشاهده نمی‌شود و اغلب شاعران و نویسندگان، فرزندان خود را به شجاعت، صبر، انصاف و محبت به هم‌نوع، کمک به نیازمندان، صرفه‌جویی، ساده‌زیستی، عدالت اجتماعی و همچنین ایجاد روحیه دوستی سفارش کرده‌اند. بر اساس بررسی‌ها، در عهد صفویه فرزندنامه‌ای مشاهده نشد. در سیر تحول و تطور فرزندنامه‌ها، باید اذعان کرد تفاوت‌چندانی در مضامین فرزندنامه‌ها مشاهده نمی‌شود و اغلب آنها به علم‌آموزی سفارش می‌کنند، جز فرزندنامه ایرج میرزا که برای نخستین بار بهداشت شخصی را مد نظر قرار می‌دهد و بر انجام آن تأکید می‌ورزد.

## منابع

- آرین‌پور، یحیی (۱۳۵۷)، *از صبا تا نیما*، تهران، زوار.
- اخگر حیدرآبادی، میرزا قاسم‌علی (۱۳۸۵)، *مجموعه رسایل عرفانی*، تهران، دانشگاه تهران.
- اخوینی بخاری (۱۳۷۱)، *هدایة المتعلمین فی الطب*، چاپ جلال متینی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۹۴)، *نامه به فرزندان*، تهران، یزدان.
- اعتمادزاده، محمود (۱۳۸۲)، *نامه‌های به‌آدین به پسرش*، تهران، پژوهش‌دادار.
- امیرخسرو دهلوی (۱۹۷۲)، *هشت بهشت*، چاپ جعفر افتخار، مسکو، دانش.

- \_\_\_\_\_ (۱۹۶۴)، *مجنون و لیلی*، چاپ طاهر احمد اوغلی محرم اوف، مسکو، دانش.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۱۷)، *دولرانی خضرخان*، دهلی، چاپ رشید احمد انصاری.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲)، *خمسه*، چاپ امیر احمد اشرفی، تهران، شقایق.
- ایرج میرزا (۱۳۵۳)، *دیوان اشعار*، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران، زوار.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۳)، *سبک‌شناسی*، ج ۷، تهران، امیرکبیر.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۹)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، سخن.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، *سلامان و اسال*، چاپ محمد روشن، تهران، اساطیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، *بهارستان*، چاپ اسماعیل حاکمی، تهران، اطلاعات.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، *مثنوی هفت اورنگ*، چاپ مرتضی مدرس گیلانی، تهران، اهورا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، *یوسف و زلیخا*، چاپ نادر وزین‌پور، تهران، امیرکبیر.
- جلیلی جشن‌آبادی، صبا (۱۳۹۸)، «*وصایای وفا*؛ فرزندانمای ناشناخته متعلق به دوره قاجار»، *نسخه‌شناسی نظم و نثر*، دوره ۴، ش ۴، ۱۱، ۲۸-۱.
- جمال‌الدین اصفهانی (۱۳۶۲)، *دیوان*، تهران، سنائی.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۲)، *تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان*، تهران، قومس.
- ریپکا، یان (۱۳۸۱)، *تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجار*، ترجمه عیسی شهبابی، تهران، علمی و فرهنگی.
- سلمان ساوجی (۱۳۶۷)، *دیوان*، چاپ تقی تفضلی، تهران، صفی‌علیشاه.
- شاملو، احمد (۱۳۹۴)، *امید آفتابی من*، تهران، چشمه.
- شریعتی، علی (۱۳۵۸)، *نامه‌ای به پسر*، تهران، شهادت.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸)، *تاریخ ادبیات (از آغاز عهد اسلامی تا دوره سلجوقیان)*، ج ۱، تهران، فردوس.
- طالبوف، عبدالرحیم ابوطالب (۱۳۹۴)، *احمد*، تهران، علمی و فرهنگی.
- عنصرالمعالی (۱۳۸۶)، *قابوس‌نامه*، غلامحسین یوسفی، تهران، علمی و فرهنگی.
- غزالی، امام محمد (۱۳۶۴)، *ایها الولد*، ترجمه باقر غباری، تهران، جهاد دانشگاهی.
- قائم‌مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۳۷)، *منشآت قائم‌مقام*، چاپ جهانگیر قائم‌مقامی، تهران، ابن‌سینا.
- قمی، خواجه مسعود (۱۳۶۹)، *یوسف و زلیخا و شمس و قمر*، چاپ سیدعلی آل داود، تهران، آفرینش.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۶۸)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، ج ۶، تهران، دنیای کتاب.
- گروسی، امیرنظام (۱۳۶۳)، *پندنامه یحیویه*، چاپ منوچهر سعید وزیری، تهران، نقره.
- مبیدی، میرحسین (۱۳۹۲)، *دو رساله*، چاپ محمدحسین رافی، یزد، سیدعلی‌زاده.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷)، *صد سال داستان‌نویسی ایران*، تهران، نشر چشمه.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۹۲)، *نامه‌های خانلری به پسرش آرمان*، مجله بخارا، شماره ۹۴، ویژه‌نامه خانلری، شهریورماه، ۳۳۲-۳۳۵.
- نزاری قهستانی، سعدالدین (۱۳۷۱)، *دیوان*، به اهتمام مظاهر مصفا، تهران، علمی.
- نظامی گنجوی (۱۳۸۴)، *کلیات خمسه*، تهران، امیرکبیر.

## References

- Akhgar Heidarabadi, M. G. A. (2006), *Collection of Mystical Essays*, Tehran, University of Tehran. (In Persian)
- Arinpour, Yahya (1978), *From Saba to Nima*, Tehran, Zovar. (In Persian)
- Amir Khosrow (1917), *Duval Rani-Khizr Khan*, with introduction to Urdu language. Delhi, Edited by Rashid Ahmad Ansari. (In Persian)
- Amir Khosrow (1964), *Majnun o Leily*, Scientific and Critical Text and Introduction by Tahir Ahmadoghli Muharramov. Moscow, Danesh Publishing House. (In Persian)

- Amir Khosrow(1972), *Hasht Behesht*, edited by Jafar Iftikhar Moscow, Danesh Publishing House. (In Persian)
- Amir Khosrow(1983), *Khamsa-e-Khusrau*. Edited by Amir Ahmad Ashrafi, Tehran, Shaghayegh. (In Persian)
- Akhvini Bukhari, A.(1965), *Hedāyat Al-Mota Allemin Fi'l-Tebb* (by Jalal Matini), Mashhad, Mashhad University. (In Persian)
- Bahar, M. T. (1994). *Stylistics*. 7th edition, Tehran, Amirkabir. (In Persian)
- Christian Sen, A. (1999), *Iran during the Sassanids*, Translated by Rashid Yasami, 6th edition, Tehran, Dunyai Kitab. (In Persian)
- Etemadzadeh, M.(2003), *Letter of Beh-Azin to his son*, Tehran, Dadar Research Publication. (In Persian)
- Ghaem Magham-e Farahani, M. A.(1958), *Manshaat Ghaem Magham*, by Jahangir Ghaem Magham. Tehran, Ibn-e Sina. (In Persian)
- Ghazali, I. M. (1985), *Letter to a Disciple (Ayyuha'l-Walad)*. translated by Baqer Ghobari. first edition. Tehran, Jihad-e Daneshgahi. (In Persian)
- Grossi, Amir Nizam (1984), *Pendnama Yahiviah*, printed by Manouchehr Saeed Vaziri, Tehran, silver. (In Persian)
- Iraj M.(1974) *Poems Divan*. Edited by Mohammad Jafar Mahjoub. Tehran: Zovvar. (In Persian)
- Islami Nodooshan, M. A.(2015), *Letter to Children*, Tehran, Yazdan Publications. (In Persian)
- Jalili Jashnabadi, S. (2019), *The Wills of Vafa. An unknown letter to the childn belonging to Qajar Period*. *Journal of Poetry and Prose*, Volume 4. No. 11, pp. 1-28. (In Persian)
- Jami, A.(1994), *Salaman and Absal*, Edited by Mohammad Roshan, Tehran, Asatir Publications. (In Persian)
- Jami, A.(1999), *Baharestan*. Edited by Esmaeil Hakemi, Tehran, Ettelaat. (In Persian)
- Jami, A.(2006), *Haft Awrang Mathnavi*. Edited by Morteza Modarrs Guilani. Tehran, Ahoura. (In Persian)
- Jami, A.(2014), *Yousef and Zuleikha*, Edited by Nader Vazinpour, Tehran, Amir Kabir. (In Persian)
- Jamaluddin Isfahani, M.(1983), *Divan-e Jamaluddin Abdul Razzaq*, Tehran, Sanai. (In Persian)
- Meybodi, M. H.(2013) *Doresaleh*, by Mohammad Hossein Rafi, Yazd, Seyed Alizadeh Publication. (In Persian)
- Mira Abdini, H. (1998), *One hundred years of Iran's story writing*, Tehran, Cheshme Publishing House. (In Persian)
- Natel-Khanlari, P.(2013), *Khanlari's letters to his son Arman*, Bukhara Magazine. No. 94. Exclusive Letter of Khanlari. pp. 332-335. (In Persian)
- Nizami, G.(2005), *Manuscript of Khamsah*, Tehran, Amir Kabir. (In Persian)
- Nizari Quhistani, S.(1992), *Critical text of the Divan of the sage Nizari Quhistani*, by Mazaher Musafa. Tehran: Elmi. (In Persian)
- Onsor-al-Ma'āli, K.(2009), *Selection of Qabusnamah*, by Gholamhossein Yousefi, Tehran, Sepehr Printing House. (In Persian)
- Qomi, M.(1990), *Yousef and Zuleikha; Shams and Qamar*, by Seyed Ali Al-e-Davood, Tehran, Afarinesh. (In Persian)



- Rajaei, F. (1993), Evolution of political thought in the ancient East. Tehran, Qoms. (In Persian)
- Ripka, J. (2002), History of Iranian literature from ancient times to Qajar period, Translated by Isa Shahabi, Tehran, scientific and cultural. (In Persian)
- Safa, Z.(1999), The History of Literature in Iran, Tehran, Ferdowsi Publication. (In Persian)
- Savoji, S.(1988), Divan-e Salman Savoji by Taghi Tafazli, Tehran, Safi-Alishah. (In Persian)
- Shamloo, A. (2015), Omid-e Aftabiye Man, Tehran, Cheshmeh. (In Persian)
- Shariati, A.(1979), A letter to my son, Tehran: Shahadat Publication. (In Persian)
- Talbof. A. A.(2015), Ahmad, Elmi-O-Farhangi Publication. (In Persian)
- Tafzali, Ahmed (2009). History of Iranian literature before Islam, By the efforts of Jale Amouzgar, Tehran, Sokhon Publications. (In Persian)